

## شرح رساله حقوق

عرض کردیم امام سجاد (علیه السلام) فرمودند «وَأَمَّا حَقُّ رَجُلَيْكَ فَإِنَّ لَكَ تَمْشِيَّ بِيَهُمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» آن حق سلبی که برای پا وجود دارد این است که از دو پای خودش برای حرام استفاده نکند. و گفتیم استفاده از دو پا در مسیر حرام سه فرض دارد:

۱. اینکه پا مورد استفاده قرار بگیرد به عنوان مقدمه حرام، مشی که فعل رَجَلین است، راه رفتن که همان عمل دو پاست، به عنوان مقدمه حرام قرار بگیرد؛

۲. گاهی ممکن است جزیی از حرام شود؛

۳. گاهی ممکن است عین حرام شود، خود مشی متصف به حرمت شود فی نفسه، نه به عنوان جزیی از حرام و نه به عنوان مقدمه. این معلوم است، مشی بعنوان حرام باشد مثل راه رفتن در زمین غصبی، آن دو متفاوت است.

این حق پای انسان است، یعنی پای انسان این حق را به گردن انسان دارد که به هیچ وجه در مسیر حرام استفاده نشود و عرض شد که اطلاقی شامل هر سه قسم می شود، اینجا نمی خواهد بگوید فقط با پا به سوی چیزی که حرام نیست حرکت نکن، از این دو پا برای رفتن به مجلس گناه و فسق و فجور و خدای نکرده مجلس بر خلاف دین حرکت نکن؛ هر نوع حرکتی برای یک امری که مساعدت و کمک به آن حرام شود، امام این را بر خلاف حق این عضو می داند.

### تفاوت حق پا و حکم مشی

نکته ای که اینجا می خواهیم عرض کنم این است که آنچه که امام سجاد می فرماید از منظر حق این دو عضو است، ما کاری نداریم با حکم شرعی مقدمه حرام چیست؟ زیرا در مقدمه حرام بحث است که آیا مقدمه حرام، حرام است یا خیر؟ ما در بحث حرمت اعانه بر اثم، مفصل گفتیم که اعانه بر اثم که ممکن است بخشی از آن جنبه مقدمیت داشته باشد انواع و اقسامی دارد که برخی حرام است و برخی حرام نیست، آنجا به تفصیل بحث کردیم. صرف نظر از اینکه مشی و راه رفتن و استفاده از دو پا به عنوان مقدمه حرام، حرام باشد یا نباشد، اینکه در کدام مرحله از مقدمیت قرار گرفته باشد، قریب باشد یا بعید باشد، اینها مهم نیست، مهم این است که اینجا از منظر حق یک عضو امام این را منع کرده، این عمیق تر از آن مسئله فقهی و شرعی است.

عرض کردم ممکن است بعضی از صور مشی به سمت حرام از نظر فقهی حرام نباشد اما قطعاً بر خلاف حق این عضو است. ما الان بعضی از کارها را انجام می دهیم که شرعاً حرام نیست ولی جزء حقوق نادیده گرفته شده است، این دو با هم ملازمه ندارند، بحث اخلاقی و رعایت حقوق اعضای بدن انسان، حداقل در منطق غالب فقهی ما، مساوق با حرمت نیستند. یک وقت هایی ممکن است بین استفاده صحیح و ایده آل از یک عضوی و منع و عدم منع، انطباق نباشد، یعنی مثلاً آنچه که امام سجاد (علیه السلام) اینجا فرموده ایده آل است، یعنی کسی که اینطور عمل کند حقوق را کامل رعایت کرده و یک مومن کامل شده است، اما کسی ممکن است در مرتبه پایین تری باشد.

به هر حال حضرت اینجا از این منظر می فرماید که اینجا از این دو پا برای امر حرام مطلقاً چه عیناً و چه جزئاً و چه مقدمتا استفاده نکند.

### برخی مصادیق حق سلبی پا

همانطور که عرض کردم، مصادیق مختلفی دارد، ما روایاتی داریم که مثلاً کسی که برود به سمت اینکه بین دو نفر اختلاف ببندازد، به هم بزند بین دو نفر و سخن چینی و بدگویی کند، مثلاً کسی از اینجا راه می افتد، بالعرض یا بالاصاله، برای بدگویی از دیگری آن

هم به گونه‌ای که آثار بدی برای آن شخص داشته باشد، اذیت و آزاری را متوجه او کند، به اموال و آبروی او خسارت بزند، این قطعاً مصداق مشی به سوی حرام است، رفتن به سمت مجلس فسق و فجور نیز خودش مشمول این نهی است. اینکه خود مجالس فسق و فجور این همه از آن منع شده است، طبیعتاً استفاده دو پا برای رفتن به آن مجلس می‌شود مشی الی ما لایحل له؛ اینکه انسان بدون اجازه وارد خانه دیگران شود، این برخلاف نهی صریح قرآن است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ<sup>۱</sup> ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید، و چون (به خانه‌ای درآید و) گفتند: برگردید، به زودی بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، و خدا به هر چه می‌کنید داناست.

این گامی که بر می‌دارد برای ورود به خانه دیگری، این خودش حرام است، دیگر مقدمه حرام نیست. اگر از منزل راه افتاده دارد حرکت می‌کند تا به خانه دیگری وارد شود، ولو اجازه ندارد و می‌داند کسی نیست و می‌داند کسی اجازه نمی‌دهند، این می‌شود مقدمه حرام و وقتی وارد می‌شود عین حرام است.

گاهی جزیی از حرام است که نمونه‌اش بیان شد در روایات ما نمونه‌های فراوانی داریم از هر سه قسم مشی به سوی حرام.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup> سوره نور، آیه ۲۷ و ۲۸.